

هدی صابر

فروپاشی

نگاهی به درون رژیم شاه
بحران‌ها، تضادها و ناکامی‌هایش



بنگاه ترجمه و نشر
کتاب پارسه

فهرست

۱۳	مقدمه
۲۳	توضیحاتی دربارهٔ محتوا و معرفی بخش‌ها
۳۳	بخش اول: نگاهی به جهان
۳۵	نقبنی به دههٔ ۱۹۷۰ و بحران‌های ایالات متحدهٔ آمریکا
۳۹	اقتصاد: ابعاد بحران
۴۹	صحنهٔ سیاسی: گره‌ها
۵۷	نگاهی به جهان، نگاهی به خود
۶۹	کارتر نمایندهٔ دیدگاه نوین
۷۷	ایران در کادر شرایط جدید
۸۵	شروع انتقادات
۱۰۷	واکنش‌ها
۱۱۱	نقاط اختلاف در دورهٔ بحران روابط
۱۲۹	رفع اختلاف‌ها
۱۳۵	حقوق بشر و آثار آن
۱۴۱	بخش دوم: اقتصاد در بحران
۱۴۳	بحران‌زدگی اقتصادی

۱۶۱	به خود آمدن‌ها
۱۷۳	رستاخیز: ضرورت‌ها و نقش
۱۸۳	کابینه آموزگار: نقطه عطفی دیگر
۱۸۹	اقتصاد: تصحیح سیاست‌ها
۱۹۷	کاهش وابستگی به درآمد نفت: و ایجاد تنوع در درآمدهای ارزی
۲۰۳	بخش خصوصی: تحکیم جایگاه
۲۱۳	اصلاحات سیاسی و اجتماعی
۲۲۱	برنامه ششم: تناقض‌ها و بحران‌ها
۲۳۹	از بحران تا فروپاشی

به نام یکتای تحول‌بخش و دگرگون‌ساز توضیحاتی دربارهٔ محتوا و معرفی بخش‌ها

اِسْتِكْبَارًا فِي الْاَرْضِ وَمَكْرَ السَّيِّئِ ۚ وَلَا يَحِيقُ الْمَكْرُ السَّيِّئِ ۚ اِلَّا بِاَهْلِهِ فَهَلْ
يَنْظُرُونَ اِلَّا سُنَّةَ الْاَوَّلِينَ فَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللّٰهِ تَبْدِيلاً وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللّٰهِ تَحْوِيلاً.
فاطر/۴۳.

بدین جهت که می‌خواستند در زمین تکبر و گردنکشی کرده، قواعد و قوانین را برهم
زنند و مکر اندیشند، و حيله و فکر پلید به‌جز صاحبش احدی را هلاک نخواهد
کرد. آیا اینان جز آنکه به شیوه و طریق امم گذشته هلاک شده و فروپاشند انتظاری
دارند. شیوه و قاعدهٔ خدا هرگز تبدیل نخواهد گردید و قانونمندی و سنت پروردگار
هرگز تغییر نخواهد پذیرفت.

سال‌های دههٔ ۱۳۵۰ به عنوان آخرین دههٔ حیات رژیم پهلوی را بنا به دلایل
عدیده، باید از دوران بسیار پراهمیت تاریخی قلمداد کرد.
به‌وقوع‌پیوستن فهرستی از رویدادهای کیفی تاریخی، سریع بودن روند
تحولات، عمل نمودن قانونمندی‌ها و بالاخره ثبت شدن مهم‌ترین نقطه‌عطف‌ها
– که سقوط نظام تاریخی شاهنشاهی در صدر آن‌ها قرار می‌گیرد – به دههٔ
۱۳۵۰ ویژگی خاصی می‌بخشد.

در سال نخست دهه ۵۰، برپاساختن جشن‌های افسانه‌ای دو هزار و پانصدمین سال استقرار نظام شاهنشاهی - که اوج نمایش گرایش‌های باستانی و تاریخی‌گری‌های ارتجاعی شاه محسوب می‌شد - چشم‌اندازی از ثبات و استحکام را در «باورها» ترسیم می‌کرد. اما تنها به فاصله هفت سال پس از آن، رژیم شاه وجود خارجی نداشت.

به‌طور قطع، حذف رژیم شاه از صحنه تاریخ و جامعه ایران در بهمن خونین ۵۷، رویدادی خودبه‌خودی و تصادفی نبود و از زمینه‌ها و علل خاص خود برخوردار بود.

کتاب حاضر درصدد است «علل درونی» خروج رژیم از تاریخ را مورد ارزیابی قرار دهد. از این‌رو نگاه خود را به‌طور خاص به «درون» رژیم و ساختار داخلی آن، متمرکز می‌کند. لذا «فروپاشی» را نباید تحلیل انقلاب و توضیح شرایط سیاسی اجتماعی منجر به سقوط رژیم شاه دانست، بلکه باید آن را علت‌یابی درونی از هم‌پاشیدن نظام به حساب آورد.

با گذشت چهار دهه از پایان یافتن عمر دیکتاتوری شاه، چنین امکانی موجود است تا به دور از تنش‌ها و التهابات مقطع سقوط و برکنار از برخورد «صرفاً سیاسی»، به ماهیت آن رژیم توجه کرد و عملکرد سیاسی، تشکیلاتی و اقتصادی و اجتماعی آن را به دیده دقت نگریست.

دهه ۵۰ بنابر اهمیت تاریخی‌اش و نیز به عنوان ظرف زمانی به‌بار آمدن محصولات پروسه‌هایی که رژیم در زمینه‌های مختلف طی کرده بود، مقطع بسیار مناسبی برای منظور یادشده به شمار می‌رود.

آنچه مسلم است، هر بررسی به دنبال آن است تا نتیجه‌ای مشخص را اثبات کند. فروپاشی نیز با پیروی از این قاعده کلی، بر آن است با نگاهی به درون رژیم و روشن ساختن پوسیدگی‌ها، عقب‌ماندگی‌ها، تضادها و ضعف‌های اساسی‌اش، «بی‌قابلیتی» آن را برای تحول و «بی‌صلاحیتی» اش را برای گذار از شرایط بسته دیکتاتوری به وضعیت باز «دموکراسی» روشن سازد؛ پروسه

ناموقی که از نیمهٔ دههٔ ۵۰ برای آن خیز برداشته بود.

روش این بررسی، شیوهٔ از «بیرون» به «درون» است. بدین مضمون که ابتدا شرایط جهانی دههٔ ۱۹۷۰، در حد ضرورت، تشریح و سپس از جهان به ایران وارد شده و ضمن ارتباط دادن شرایط بین‌المللی و اوضاع داخلی ایران، موقعیت رژیم شاه مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

دههٔ ۱۹۷۰ در میان دهه‌های پس از جنگ دوم جهانی، ضمن آنکه رخدادهایی بسیار را در بر گرفته و از شرایط ویژهٔ انقلابی برخوردار است، «دههٔ بحران» برای امپریالیسم جهانی، و در رأس آن، امپریالیسم آمریکا محسوب می‌شود.

در سال‌های اولیهٔ این دهه، ایالات متحدهٔ آمریکا در مجموعه‌ای از بحران‌ها محصور شده بود. بخش مهمی از بحران‌های این دوره حاصل عملکردهای بین‌المللی ایالات متحده در مقام رهبر پس از جنگ اردوی سرمایه‌داری، جنگ ویتنام و عوارض آن، حمایت از دیکتاتوری‌ها، پشتیبانی بی‌کران از اسرائیل، کودتا در شیلی، سقوط دلار و... و بخش دیگر آن ناشی از مشکلات داخلی به شمار می‌رفت؛ مسائل اقتصادی، رویداد واترگیت، عدم اعتماد مردم به زمامداران و...

بحران‌های این مقطع ایالات متحده به دلیل تقارن با شرایط انقلابی و فضای ضدامپریالیستی جهان - سمپاتی وسیع جهانی به ویتنام، حمایت بین‌المللی از جنبش مقاومت فلسطین، بازتاب عملیات انتحاری و فدایی همچون گروه‌گانگیری اسرائیلی‌ها در المپیک مونیخ، موقعیت ویژهٔ امریکای لاتین، رویارویی‌های آشکار جنبش‌های ملی و نیروهای سیاسی با دیکتاتوری‌های وابسته و... پیچیدگی بیشتری می‌یافت.

از این‌رو سال‌های آخر دولت ریچارد نیکسون (۷۳-۱۹۷۰) را می‌توان سال‌های تنگناهای تاریخی امپریالیست‌ها خواند؛ تنگنایی که با شکست‌های پی‌درپی جمهوریخواهان حاکم و تنفر بین‌المللی از نقش مداخله‌جو، سرکوبگر و ضدانقلابی‌یانکی‌ها، معنا می‌شد.

شکل گرفتن نهاد جدید «کمیسیون سه‌جانبه» را در سال ۱۹۷۳ - که دربرگیرندهٔ عناصر تئوریک و نظریه‌پرداز امریکا، اروپا و ژاپن بود - می‌توان از جمله ضرورت‌های تاریخی به منظور یافتن راه برون‌رفت امپریالیسم از این مرحلهٔ بحرانی و ترسیم استراتژی‌های آینده تلقی کرد.

تلاش‌های نظری صورت گرفته در این مرحله، چه در کادر جدید سه‌جانبه و چه در چهارچوب‌های قبلی، همچون شورای روابط خارجی امریکا، در توصیف شرایط جهان، از مضامینی مشترک سخن می‌گفتند.

«انقلابی و انفجاری بودن شرایط جهان»، «به پایان رسیدن دوران نظم بین‌المللی پس از جنگ جهانی»، «ضرورت پایه‌ریزی نظام نوین بین‌المللی»، «دست زدن به برخی تعدیل‌های اقتصادی - اجتماعی در صحنهٔ جهانی»، «ارتقای آگاهی توده‌های جهانی» و «ضرورت انطباق با شرایط انقلابی جهان» از محورهای اصلی جمع‌بندی‌های این دوره است.

در این حال، زمان برای ادامهٔ حضور جمهوریخواهان حاکم، با دیدگاه‌های خاص و سنتی خویش، به سرآمده بود.

در چنین شرایطی، در نیمهٔ دههٔ ۱۹۷۰، جیمی کارتر دموکرات با لبخندی بر لب، چهره‌ای بشکفته، و جبهه‌ای انسان‌دوست، مذهب گرا و حامی حقوق بشر، بر مسند ریاست جمهوری امریکا تکیه زد.

جای دقت است که کابینهٔ کارتر، عمده‌ترین عناصر تئوریک را که نقشی محوری در جمع‌بندی‌های یادشده داشتند - از جمله برژینسکی و سایروس ونس - را دربرمی‌گرفت.

کارتر با توجه به فضای بین‌المللی، از نخستین روز زمامداری، بر «حقوق بشر» و ضرورت رعایت آن از سوی همه و به‌ویژه دولت‌های هم‌پیوند با امریکا [تأکید کرد]، و وسیعاً مانوری را آغاز کرد.

کتاب حاضر در بخش نخست خود با عنوان «نگاهی به جهان»، به تحولاتی که به صورت فشرده از آن یاد شد، پرداخته است. کتاب سپس از «بیرون»